

## دیدگاه پیاژه در گستره اصلاحات در آموزش و پرورش

چکیده

امروز موضوع توسعه از مباحث اساسی کشور است اما برای دستیابی به توسعه پایدار باید به زیر ساخت های فرهنگی آن پرداخت و توسعه فرهنگی را به عنوان بستر اصلی توسعه همه جانبه مورد توجه قرار داد از سوی دیگر باید عنایت داشت که لازمه توسعه فرهنگی توسعه نیروی انسانی به همراه باروری اندیشه و خردورزی است که این خود مستلزم ایجاد تحولات و اصلاحات جدی در عرصه آموزش و پرورش می باشد به اعتقاد پیاژه مساله کلیدی نوسازی آموزش و پرورش و آماده سازی معلمان است و در این راستا معلم آینده باید در ارتباط با جامعه قرار گیرد و با فرهنگ عمومی آشنا شود البته این آشنایی نباید جنبه صرف نظری داشته باشد بلکه باید بر آموزش های عملی تاکید گردد تا بدین ترتیب او به تواند با تغییر نقش خود از سخنران به یک آزمایشگر عرصه آموزش یادگیری را فعال سازد علاوه بر آماده سازی معلمان ارزشمند سازی هیات آموزشی نیز لازمه اصلاحات در آموزش و پرورش است شعار پیاژه برای این منظور تحصیلات دانشگاهی کامل برای معلمان کلیه سطوح آموزشی است زیرا به نظر او آموزش و پرورش علاوه بر این که هنر است یک علم نیز است پیاژه با گذشته نگری از نظر کمی فراهم سازی امکان برخورداری آموزش برای همه و از نظر کیفی به آموزشهای پیش دبستانی توجه دارد

همچنین با دید آینده نگری تاکید بر تحول روشهای آموزش و به کارگیری روش های فعال دارد و بنا به همین تاکید اعتقاد دارد آموزش و پرورش وظیفه پروردن انسان های خلاق را عهده دار است موضوع دیگری که مورد توجه جدی پیازده قرار گرفته مساله تربیت بین المللی است به نظر او آموزش و پرورش می باید تفاهم اغماض و دوستی تمام ملل و گروه های نژادی یا مذهبی را مساعد سازد و فعالیت های ملل را در حفظ صلح هموار کند

#### مقدمه :

پیازده دانشمندی که افکار بنیادی و به کار بسته نظام روانشناختی وی در تربیت رهنمود دهنده اند در مصاحبه ای با فروتنی اعلام می کند از آنجا که متخصص آموزش و پرورش نیستم به خود اجازه نمی دهم چیزی به معلمان توصیه کنم آنچه از من ساخته است تهیه داده ها و یافته هایی است که آنان بتوانند مورد استفاده قرار دهند (۱) همچنین در جای دیگر می گوید من در آموزش و پرورش صاحب عقیده نیستم اما مساله تربیت سخت مورد توجه من است چه احساس می کنم باید اصلاحات و تغییرات عظیمی به عمل آورد (۲) او یاد آور می گردد زیباترین اصلاحات و بازسازی ها به جایی نمی انجامد اگر معلمانی به تعداد کافی و با سطح آمادگی متناسب در اختیار نباشند بدین ترتیب برای آنکه مدرسه با یک نو سازی تربیتی قرین گردد باید در وهله نخست به مساله آماده سازی معلمان پردازد پیازده آماده سازی معلمان را مساله کلیدی این نو سازی می داند اگر معلمان

از توشه علمی محکم تری برخوردار باشند همین امر دارای یک پیامد اقتصادی نیز هست  
بالا رفتن سطح زندگی همراه با بالا رفتن مقام و منزلت اجتماعی آنان آن وقت است که  
کمبود معلم تقلیل خواهد یافت و محافظه کاری آموزشگاهی که یک موسسه تربیتی را به  
صورت یک ارگانسم تربیتی واپس نگر در می آورد به حداقل خواهد رسید بدیهی است  
نتایجی که بار می آیند هم در سطح اقتصاد تربیت مثبت خواهد بود و هم در سطح اصلاح  
شرایط شکوفایی کودکان و هم در رابطه با این تغییرات از لحاظ بالا رفتن سطح فرهنگی  
مردم خلاصه آن که نظام های تربیتی بر این اساس به تولید بیشتری نایل خواهند آمد حتی  
اگر این امر هدف اصلی تربیت نباشد برای موفقیت در این راه باید معلم به دانش روان  
شناسی و آموزش و پرورش مجهز شود افزون بر این وی باید از لحاظ آموزش و پرورش  
تجربی که برترین رشته برای معلمان مدرسه است در سطح معتبری آماده شود این آماده  
سازی را باید از طریق موسساتی برای معلمان تامین کرد که در این ارتباط فعال با جامعه  
باشند یعنی آنکه هدف فقط آماده سازی معلم از لحاظ معلومات نباشد بلکه معلم آینده با  
فرهنگ عمومی که برای گسترش ذهنی او لازم است دمساز باشد البته در مورد آموزش و  
پرورش مخصوص آماده سازی معلمان روش هایی بکار گرفته می شود که بریدگی از  
اجتماع به درجات کمتری در چهارچوب آنها مشهود است اما در حال خطر جدایی همواره  
پا بر جاست در دانشگاه ها ممکن است این خطر وجود داشته باشد که بیشتر بر آماده  
سازی فرهنگی و نظری تکیه کنند و به اندازه کافی به فعالیت عمومی نپردازند پس باید در

هر موسسه ای که به منظور آماده سازی معلمان مورد بهره برداری قرار می گیرد برنامه ای تدوین گردد که هم دریچه آن به روی جامعه باز باشد و هم از یک استحکام روشن شناختی برخوردار باشد تا مربی آینده به معلومات روان شناختی و جامعه شناختی سطح بالائی دست یابد و بتواند در عین مشارکت در امر شکوفایی شاگردان خود از طریق آموزشی که مبتنی بر یک روش فعل پذیر نیست به آزمایشگری نیز دست زند بنا بر این یکی از موضوع گیریهای پیازه در گستره تربیت در باب روشهای تهیه و ارائه مطالب آموختنی فعال ساختن شاگرد و پایان دادن به دوران (معلم به منزله سخنرانی) است به نظر او معلم باید موضوعات تازه ای به شاگرد عرضه کند اما این تازگی نباید بیش از اندازه باشد تا آنکه از سر خوردگی هایی که ذوق کوشش را دستخوش باز داری می سازد و حتی شاگرد را به واپس روی سوق می دهند اجتناب شود از نظر او آموزش باید فرصت بیشتری به شاگرد دهد تا خود عنان رفتار و تجارت خویش را در دست گیرد اما در عین حال مهتا کار است که معلم لوازم و شرایطی را در دسترس شاگرد قرار دهد تا راه پیشرفت وی هموار شود البته منظور این نیست که شاگرد به هر کاری که مایل است پردازد بلکه مقصود قرار دادن او در صحنه اوضاع و احوالی است که بتواند مسائل تازه ای را در وی بر انگیزند و بین آنها ارتباط برقرار کنند باید در عین آزاد گذاردن شاگردان بتوان آنها را هدایت کرد به اعتقاد پیازه در آماده سازی و ارزشمند سازی هیات آموزشی دو مساله عمومی وجود دارد : مساله اول مربوط به (آماده ساختن معلمان) یعنی آن چیزی

که در عمل مساله مقدماتی هر تغییر و اصلاح آموزش و پرورش است چه تا زمانی که این مساله به گونه ای رضایت بخش حل نشده باشد کاملاً بیهوده است که به تدوین برنامه های خوب بپردازند یا نظریه های زیبایی درباره آنچه باید تحقق یابد طرح ریزی کنند اما این مساله خود دو جنبه دارد: نخست مساله اجتماعی (ارزنده سازی یا از نو ارزشمند سازی هیات آموزش ابتدایی و متوسط) که افکار عمومی ارزش درست و واقعی خدمات آنان را نمی شناسد و از همین جاست که قطع علاقه و کمیابی در این حرفه روز افزون اند و یکی از خطرات عظیم را برای پیشرفت و حتی بقای تمدن ما تشکیل می دهند جنبه دیگر آماده سازی فکری و اخلاقی هیات آموزشی است مساله ای که باید آن را بسیار مشکل دانست چه هر قدر روش های خاص آموزش بهتر باشند حرفه معلمی حرفه ای ناراحت خواهد بود چه هم مستلزم سطح بالایی از لحاظ شناخت شاگردان و مواد است و هم نیاز به قریحه ای واقعی دارد برای این دو مساله فقط یک راه حل منطقی و درست وجود دارد: تحصیلات دانشگاهی کامل برای معلمان کلیه سطوح آموزشی. مساله دوم مربوط به ساخت آینده دانشگاه هاست که آماده سازی معلمان و نیز آماده سازی هر متخصص دیگری تابع آن است روشن است که برای تقلیل نقش مصیبت بار دانشکده ها باید مجموعه های متحرک بین رشته ای گوناگون را جانشین آنها ساخت اما تا زمانی که دو اصل اساسی با تمام نتایجی که در بر دارند بر این ترکیب ها یا مجموعه ها بلا اثر خواهند بود این دو اصل عبارتند از:

(۱) اتحاد کامل بین آموزش و پرورش

(۲) انجام پژوهش های گروهی (۳)

همچنین پیازه معتقد است که در نظام او و در سطح به کار بسته آموزش و پرورش به همان اندازه که یک هنر است یک علم نیز هست پس کافی نیست که یک معلم به قریحه هنرمندانه خود متکی باشد تا کار خویش را به ثمر برساند بلکه باید لایه دیگری از این حرکت را که جنبه علمی دارد کسب کرده باشد حقیقت امر این است که حرفه معلمی در جوامع امروزی هنوز به سطح مطلوب نرسیده است یعنی معلم هنوز به جایگاه یا منزلتی که حق دارد در سلسله مراتب ارزش های فکری و معنوی در آن قرار گیرد دست نیافته است معلم مدرسه از نظر دیگران وحتى از نظر خود وی به منزله متخصصی نیست که به دو صف فنی و آفرینندگی علمی مجهز باشد بلکه به منزله یک انتقال دهنده ساده دانش است که باید در اختیار هر کس قرار گیرد (۴) پیازه با گذشته نگری به جنبه های کمی آموزش معتقد است که از نظر کمی توسعه قابل ملاحظه و همواره فزاینده تعداد شاگردان به نتایجی که همه می دانند منتهی شده است از یک سو با افزایش دوره آموزش عمومی با اعمال تساوی بیشتر در زمینه آماده سازی پسران و دختران و گسترش حوزه های کمک های دولتی عدالت بیشتری در زمینه امکانات آموزشی برای نسل های جدید حاصل شده است اما از سوی دیگر از آنجا که این انفجار عمومی کارکنان در تمام درجات با عمل ارزشمند ساختن حرفه آموزشی در اجتماع که برای سطوح متوسطه و مخصوصا ابتدایی

لازم است همراه نبوده نقصان و کمیابی معلمان واجد شرایط و روی آوردن اضطراری به خدمات افرادی به عنوان جانشین را به بار آورده است. اما از نظر کیفی یک سلسله تمایلات کم و بیش جدید به ظهور پیوسته اند که به نظر می رسد در راس جنبش های کنونی قرار گرفته اند به همین دلیل است که در بسیاری از این جنبش ها کوشش برای احیای تربیت پیش آموزشگاهی که تا کنون بسیار مورد مسامحه قرار گرفته بود مشاهده می شود فکر اصلی این است که برای کودکان طبقات محروم کودکان باید محیطی اخلاقا و فکرا غنی کننده به وجود آورد محیطی که بر اثر جو آن و مخصوصا بر اثر فراوانی و تنوع لوازمی که در آن به کار می برند بتوانند فقر محیط خانوادگی را جبران کنند و موجبات ترغیب کنجکاوی و فعالیت را در کودکان فراهم سازند همچنین پیازده در یک دید آینده نگری معتقد است یک دگرگونی و اصلاح نسبتا عمیق آموزشی قریحه هایی را که جامعه در وضع کنونی بدان نیازمند است متکثر خواهد ساخت اما به نظر می رسد این امر منوط به شرایطی که بی شبه شرایط هر آموزش و پرورش زمینه عقلی اند ولی بخصوص در رشته های مختلف آموزش علوم اجتناب ناپذیرند نخستین شرایط طبیعتا توسل روش های فعال است که یک سهم اساسی برای پژوهش ارتجالی کودک یا نوجوان قائل اند و خواستار آنند که هر حقیقت کسب کردنی توسط شاگردان از نو ابداع یا لااقل باز سازی شود و نه تنها انتقال یابد اما سو تفاهم اساسی که در این گستره وجود دارد این ترس ( و به درستی این امید ) است که مبادا در این آزمایشها نقش معلم به هیچ

مبدل شود و لازم باشد که به منظور درست عمل کردن شاگردان را کاملا در کار یا بازی خود آزاد گذارند اما بدیهی است که وجود معلم نگهدارنده آموزش به منظور ایجاد موفقیت ها و ساختن وسایل شروع کار که امکان طرح مسایل مفیدی را برای کودکان فراهم سازند و نیز به منظور ایجاد مثال های مخالفی که شاگردان را به تفکر وا دارند و آنان را به واری راه حل های شتابزده ملزوم سازند ضروری است آنچه می خواهند این است که معلم فقط سخنران نباشد و به جای آنکه خود را به انتقال راه حل های آماده و مهیا راضی سازد پژوهش و کوشش را در شاگردان برانگیزد خلاصه آنکه اصل اساسی روش های فعال را می تواند بدین شکل بیان کرد فهمیدن اختراع کردن یا بازسازی از راه اختراع مجدد است و اگر می خواهید در آینده افرادی بار آورید که توانایی تولید یا آفرینش و نه فقط تکرار را داشته باشند باید این گونه ضرورت ها را گردن نهید (۵) پیازه با این دید گاه به تعریف آموزش و پرورش می پردازد و می گوید ( تربیت برای من عبارت است از پرورش دادن افراد خلاق حتی اگر تعداد آنها زیاد نباشد حتی اگر آفرینش های یکی نسبت به دیگری محدود باشد باید مخترع و نو آور پرورش داد نه دنباله رو و تبعیت جو (۶) از جمله نکات دیگر که پیازه در طرح خود برای اصلاحات در آموزش و پرورش به آن توجه نموده است مساله تربیت بین المللی است از نظر وی تربیت باید تفاهم و اغماض و دوستی تمام ملل و گروه های نژادی یا مذهبی را مساعد سازد و گسترش و افزایش فعالیت های ملل متحد را در راه حفظ صلح هموار کند مساله تربیت



بین المللی یکی از حساس ترین مسائلی است که برای مربیان مطرح می شود اگر در زمینه پرورش فکری و اخلاقی شاگردان شخص بزرگسال که نسبت به کودکان طراز و پایه بالاتری دارد می تواند سرمشق ایشان قرار گیرد به عکس وضع جهان کنونی آن چنان نیست که بتواند به منزله الگوی کامل عیاری به شاگردان عرضه شود پژوهش و تجسس یک فن کامل در زمینه تربیت بین المللی باید لااقل از تفکر در باره مشکلاتی آغاز گردد که روحیه بشری را به طور کلی در غلبه بر مساله روابط بین گروه های اجتماعی و خاصه مساله مناسبات بین المللی مشخص می سازد لکن این اشکالات مانع از آن نیستند که پاره ای از افراد تصور کنند چنانچه آموزش مخصوص در مدارس در باره نهادهای بین المللی فعلی و مساعی آنها در راه حفظ صلح معمول گردد نتیجه آن طبعاً به منزله تحکیم روح تفاهم بین توده های مردم و دفاع موثر و اساسی از صلح است اگر در پاره ای از موارد خطر نتیجه معکوس در کار نبود هیچ کس نمی توانست بر این امر خرده گیری کند یا کوشش های را که در این زمینه می شوند مورد انتقاد قرار دهد ناگوارترین چیز آن است که شاگردان احساس کنند بین وضع موجود و وضع مطلوبی که به دنبال آن هستند فرسنگ ها فاصله است بدون آنکه دلایل واقعی این انحراف را بتوانند درک کنند ما به هیچ وجه نمی گوئیم که در زمینه آموزش بین المللی مثل زمینه های دیگر هر نوع آموزش لفظی بی فایده است ولی اذعان داریم که چنین آموزشی اگر بر اساس یک فعالیت قبلی تهیه نشده باشد و به تبع یک بازخورد کلی که باید داری ماهیت اخلاقی و اجتماعی باشد

ایراد نگردد شک نیست که هیچ فایده ای بر آن مترتب نیست لکن اگر بنابر تجارت آموزش و پرورش هر درس باید در حکم جواب به شاگرد باشد در زمینه تربیت بین المللی بیش از هر زمینه دیگری نهایت ضروری است که این پاسخ به دنبال پرسشهای از تجالی و خود به خود شاگردان و مبتنی بر این فعالیت و این باز خورد ها بیان گردد مقایسه بین دو شیوره تربیتی فهم مساله را آسان می سازد بهترین روش برای تبدیل یک شاگرد مدرسه به یک شهروند خوب کشور ( بدون آنکه فعلا از شهروند خوب جهان سخن بگویم ) کدام است ؟ آیا کافی است که چند ساعت در سال ( تعلیمات مدنی ) بخواند و در این درس نکته به نکته پیچ و مهره های نهاد های ملی که با وجود فصاحت و حسن نیت معلم اثری در شاگرد ندارد بیان گردند ؟ یا آنکه باید چنین آموزشی با تجاری که شاگرد در زمینه ( خود رهبری ) در مدرسه کسب می کند در آمیزد و پیوند یابد ؟ یعنی شاگرد بر اساس تجربه بفهمد که یک کمیته اجرایی یک مجمع شور و تصمیم و اتخاذ رای و یک دادگاه چیست و در نتیجه به سازمان های مشابه آن که بدون آن تجارب هرگز وجه مشابهت آنها را در نمی یابد راغب و علاقه مند شود ما معتقدیم که حتی اگر آموزش ( تعلیمات مدنی ) باید فدای اجرای مساله ( خود رهبری ) در مدرسه شود به کار بردن روش اخیر بهتر از اختصاص درس هایی کامل به پرورش ( شهروند ) منتهی می شود خلاصه اگر دروس ( تربیت بدنی ) بر تجربه اجتماعی متکی نباشند نتیجه عملی آنها غالباً قابل ملاحظه نیست ( ما در اینجا نه به منزله استاد بلکه به منزله شاگردی که خاطراتش در

این مورد خاص به اندازه کافی دقیق هستند سخن می گوئیم ( تربیت بین المللی را نمی توان با افزودن رشته دیگری به رشته های آموزشی معمولی رشته ای که فقط در باره سازمان های بین المللی کنونی یا حتی آرمانی که معرف و مدافع آن هستند محدود ساخت باید در وهله نخست تمام آموزش را بین المللی ساخت و نه تنها به تاریخ جغرافیا و زبان های زنده یعنی قلمروهایی که در آن قیومیت متقابل ملل حتی در برابر نابیناترین دیدگان درخشان است اکتفا کرد بلکه باید ادبیات و علوم نیز که در تبیین آنها از ذکر مساعی بشریت و نقش بحران ها و اختلافات اجتماعی و نقش فنون خود داری می شود جنبه جهانی به خود بگیرند با دیدن چنین روحیه ای در مجموعه تعلیمات است که می توان به ایجاد روحیه تفاهم و اغماض بین تمام گروه های نژادی و مذهبی که در اعلامیه حقوق بشر قید گردیده است امیدوار بود زیرا انسان چگونه می تواند به بنا کردن تاریخ تمدن و ادبیات و علوم با جنبه جهانی پردازد پیش از آنکه دشمن سرسخت هر نوع عدم اغماض گردیده باشد؟ لکن بر اساس مجموعه ای از روشهای فعال روش هایی که پژوهش مشترک ( کار گروهی ) و زندگی اجتماعی شاگردان ( شیوه خود رهبری ) را سرلوحه کار خویش قرار می دهند مطالعه باز خوردهای ملی و بین المللی و مشکلات هماهنگی آنها معنای دقیق و عینی خود را در بر می گیرد چنین مفهومی از دو نظر قابل توجه است: اول آنکه زندگی بین المللی با مقیاس متفاوت صحنه نمایش همان تعارض های ایجاد تقابل و همان عدم تفاهم های هر زندگی اجتماعی است احکامی که در یک

کشور در باره ملل دیگر صادر می کنند کوتاه بینی عجیبی که به توده های مردم رخصت می دهد با نهایت صمیمیت به سرزنش بازخوردهای ملت دیگری مبادرت ورزند و حال آنکه خود به طریق اعلی واجد همان بازخوردها هستند و نیز ناتوانی در قرار دادن خود به جای دیگران و بسیاری از مسایل دیگر در شمار پدیده هایی هستند که در هر سلسله مراتبی وجود دارند و برای آنکه اهمیت آنها در زمینه بین المللی درک شود لازم و ضروری است که انسان در زندگی روزمره خود به کشف آنها نایل آمده باشد دوم آنکه به محض آنکه بین شاگردان یک زندگی اجتماعی متشکل موجود باشد امکان آن هست که آنرا جهت مبادلات بین المللی و تشکیل گروه هایی که هدف آنها مطالعه در مسایل

بین المللی باشد توسعه دارد (۷)

منابع :

1-Evans R.I.(1978) .gan piaget,The man and his ideas ,E.P.

Dutton and Co. ins

۲. دادستان پریخ و منصور , محمود ( ۱۳۵۸ ) گفتگوهای آزاد با ژان پیاژه . تهران :

انتشارات دریا

۳. پیاژه , ژان ( ۱۳۷۱ ) تربیت به کجاره می سپرد؟ ترجمه پریخ دادستان و محمود

منصور . تهران : انتشارات دانشگاه تهران .

4.piaget,jan(1970).science of Education and psychology of the

child . New york,orion

۵.منبع شماره ۳

۶.منبع شماره ۲

۷.منبع شماره ۳